

## آسیب‌شناسی گرایش‌های صوفی‌گری در جهان امروز

رحمان بوالحسنی\*

### چکیده

پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی بر آن است تا دلایل گرایش به صوفیه را بیان کرده و برخی از مهم‌ترین آسیب‌هایی را که تصوف می‌تواند در حوزه دین داشته باشد واکاوی کند؛ البته احصای کامل علل گرایش به صوفی‌گری و آسیب‌های آن در این نوشتار مختصر نمی‌گنجد و پژوهش مستقل دیگری را می‌طلبد. امروزه با توجه به اینکه تصوف داعیه‌دار رسیدن به حقیقت دین و ارائه آرامش و معنویت به دین‌داران است؛ توانسته تا حدودی افرادی را به سوی خود جذب کند؛ اما به خاطر اینکه برخی از سردمداران آنان بنیة علمی ندارند و تحصیل‌کرده نیستند دچار انحرافات شده‌اند که باعث انحراف افرادی که به آن‌ها گرویده‌اند شده و هم باعث آسیب به دین و دین‌ورزی دیگران شده است. از جمله این آسیب‌ها می‌توان به ۱. تأویل‌گرایی بی‌ضابطه ۲. ترویج روایات غیرمستند در تصوف ۳. شخصی شدن و عرفی‌سازی دین ۴. التقاط در دین‌داری ۵. انحراف در منابع معرفتی دین ۶. جدایی از اسلام، اشاره کرد.

**واژگان کلیدی:** تصوف، طریقت‌های صوفیه، آسیب‌شناسی، دین، دین‌داری، انحرافات، شریعت‌گریزی.

## مقدمه

گرایش به صوفی‌گری در جهان امروزی ضمن فرصت‌هایی که ایجاد می‌کند دارای آسیب‌هایی نیز است که نیازمند تحقیق و پژوهش است. تصوف به‌عنوان یک جریان و جنبش اجتماعی و معنویت‌گرا اندکی بعد از ظهور اسلام پدیدار شد و تا به امروز جایگاه ویژه‌ای در جوامع مختلف دارد. این جریان که بر اساس اصول و ارزش‌های خاص خود شکل گرفته، به تجربه شخصی، ارتباط مستقیم با مقام الوهیت و جستجوی برای حقیقت تمرکز دارد.

با توجه به اینکه در جهان امروز، انسان‌ها بیشتر به دنبال آرامش در زندگی و به دنبال معنا، آرامش روحی و ارتباط با معنویت هستند و از طرفی نیز تصوف داعیه‌دار معنویت بخشی به زندگی و اعطای آرامش به انسان است و توانسته تا دغدغه‌مندان را به سوی خود سوق دهد و خود را به‌عنوان یک راهکار برای رسیدن به نیازهای روحی و معنوی انسان‌ها در دنیای امروزی معرفی کند و با توجه به اهمیت این مسئله، یعنی گرایش به صوفی‌گری و تأثیر آن بر جامعه خصوصاً جامعه دینی بر آن شدیم تا برخی علل گرایش به تصوف و آسیب‌های آن را در این مقاله واکاوی کنیم.

## صوفی‌گری

یکی از پدیده‌های فرهنگی اجتماعی که از سده دوم هجری در عالم اسلام ظهور و بروز پیدا کرد و تا به امروز نیز ادامه داشته و گسترش پیدا کرده و در اقصی نقاط جهان حضور دارد تصوف است. در قرن دوم قمری با توجه به ساحت باطنی دین و شریعت، تصوف با محوریت زهد با حضور عارفانی چون: ابوهاشم کوفی (درگذشته ۱۵۰ق)، سفیان ثوری (درگذشته ۱۶۱ق)، ابراهیم ادهم (درگذشته ۱۶۲ق)، داود طایی (درگذشته ۱۶۵ق)، شقیق بلخی (درگذشته ۱۷۴ق)، رابعه عدویه (درگذشته ۱۸۵ق)، فضیل عیاض (درگذشته ۱۸۷ق)، معروف کرخی (درگذشته ۲۰۰ق) شکل گرفت (سجادی، ۱۳۷۲، ص ۵۰). صوفیان اشخاصی بودند که به علل مختلف، زهدگرایی را سیره خود کردند و بعدها با محوریت مرید و مرادی تبدیل به گروه‌های مختلف با آداب و رسومی خاص شدند که امروزه این گروه‌ها با عناوینی

چون سلاسل صوفیه یا طریقت‌های صوفیه در کشورهای مختلف حضور دارند و آنچه صوفیان به دنبال آن هستند درک حقیقت و رسیدن به باطن دین و دنیا هستند. آنچه مسلم است تصوف در دل اسلام پدید آمده اگرچه ممکن است برخی از اعمال و عقاید آن‌ها برگرفته از خارج از اسلام باشد؛ اما آنچه مهم است این است که امروزه گرایش به صوفی‌گری در جهان اسلام امری انکارناپذیر است و حتی می‌توان گفت برخی از طریقت‌صوف، به اسلام گرایش پیدا می‌کنند. اینکه علل گرایش به صوفی‌گری چیست و چه آسیب‌هایی ممکن است داشته باشد هدفی است که در این نوشتار به دنبال آن هستیم.

### حقیقت تصوف

چنانچه سهروردی در کتاب «عوارف المعارف» بیان می‌کند از تصوف بیش از هزار تعریف ذکر شده است: «اقوال المشایخ فی ماهیه التصوف تزید علی الف قول.» (سهروردی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۶۹)؛ اما آنچه در این بحث ما را یاری می‌کند این است که بدانیم صوفیان معتقدند برای رسیدن به حقیقت و باطن دین باید نفس را بر اساس یک سری آداب ریاضت داد تا به حقیقت دست پیدا کرد و این نیز تحقق نمی‌یابد مگر بر اساس پیروی از استاد یا پیر طریقت که به مقام ولایت رسیده و می‌تواند دیگران را در این مسیر یاری دهد. البته هر پیری نیز ولایت خود را از استاد و پیر خود گرفته و آن نیز از استاد خود تا این سلسله به امیرالمؤمنین علیه السلام و از ایشان به پیامبر صلی الله علیه و آله و جبریل و به خداوند می‌رسد. به همین علت از این گروه‌ها تعبیر به سلسله‌های صوفیه شده است.

### علل گرایش به صوفی‌گری

گرایش به صوفی‌گری دارای علل گوناگونی است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

#### ۱. آرامش و معنویت

علايق و گرایش‌های مادی و زندگی صنعتی انسان‌ها در جهان امروز نمی‌تواند فطرت معنویت‌گرای انسان و آرامش روحی و روانی آن‌ها را اشباع کند لذا افراد جامعه برای رسیدن به آرامش و معنویت به هر ریسمانی چنگ می‌زنند لذا امروزه می‌بینیم که گروه‌ها و فرقه‌هایی که داعیه‌دار رساندن انسان به آرامش و معنویت هستند از شمارش خارج

شده‌اند در این میان تصوف نیز با همین ادعا در صحنه حضور دارد و از آنجاکه تصوف از دل اسلام ظهور پیدا کرده و مدعی آن است که دین حقیقی آن چیزی است که این‌ها ارائه می‌کنند افرادی که دل در گروی اسلام دارند و از طرفی نیز به آرامش و معنویت دست پیدا نمی‌کنند به سمت متصوفان تمایل پیدا می‌کنند تا بلکه نیاز خود به معنویت و آرامش را برطرف کنند؛ از این‌رو، رفته‌رفته گرایش‌ها به تصوف رو به افزایش است.

## ۲. آزادی عمل و شریعت‌گریزی

از دیگر دلایل گرایش به تصوف، آزادی عمل و کم‌رنگ بودن شریعت در تصوف است. طبیعتاً احکام شریعت، حد و حدودی برای انسان تعریف می‌کند که باب میل افراد نخواهد بود البته این نوع نگاه، به خاطر ناآگاهی به شریعت است؛ اما به‌هرحال افراد برای اینکه هم دین‌دار باشند وهم تا حدی راه برایشان باز باشد رو به صوفی‌گری‌هایی می‌آورند که رنگ و بوی شریعت در آن کمتر باشد؛ لذا در طول تاریخ، افرادی را در تصوف مشاهده می‌کنیم که قیدی به دین و شریعت و حتی کار و تلاش نداشته‌اند.

## ۳. حمایت استعمارگران

یکی دیگر از عوامل گرایش به تصوف حمایت کشورهای غربی از تصوف آن هم تصوف منهای اسلام است. سوءاستفاده کشورهای استعمارگر از تصوف، مطلب دیگری است که نباید از آن غفلت کرد برای نمونه، انگلیس برای اجرای طرح‌های استعماری خود، شخصی را به نام صوفی اسلام از افغانستان به‌عنوان امام زمان عَلم کرد و با لباس زهد و صورتی آراسته او را سوار بر هودجی نمود و سیصد و شصت نفر فدایی اطراف هودج را احاطه کرده و پنجاه نفر شمشیرزن و مرید هم همراه او بود به طرف خراسان حرکت کرد خون‌ها ریخته شد و خرابی‌ها به بار آمد و سرانجام ارتش ایران با کشتن صوفی اسلام و تمام فدائانش و تار و مار کردن سربازانش آتش فتنه را خاموش کرد. استعمارگران از اوایل قرن نوزدهم به این نتیجه رسیدند که با ایجاد فرقه‌های ظاهراً مذهبی در جوامع اسلامی بهتر می‌توانند به اهداف سیاسی و استعماری خود دست یابند به همین دلیل، پشتیبان صوفیه و فرقه‌های آن بودند و پاره‌ای از اقطاب دراویش به جرگه فراماسونری پیوستند (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۶۳، ص ۲۶۸).

## آسیب‌های صوفی‌گری

آسیب‌های یک جریان و یا یک مکتب می‌تواند در ابعاد مختلف اعتقادی اجتماعی سیاسی و... ظهور کند؛ اما آنچه در اینجا بررسی می‌شود، آسیب‌ها و خسارت‌هایی است که صوفی‌گری در دین‌ورزی اشخاص ایجاد می‌کند.

### ۱. تأویل‌گرایی بی‌ضابطه

یکی از ارکان نظری تصوف رویکرد تأویلی به نصوص دینی است، به این معنا که، معنای ظاهری نصوص دینی، پُلی برای رسیدن به معنای حقیقی یا باطنی آن است (ابن‌ترکه، ۱۳۶۰، ص ۱۵۵) (المجاز قنطره الحقیقه) (فرغانی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۱۲۳). ابن‌عربی در فتوحات مکیه گوید: (المزید من یجد فی القرآن ما یرید.) (ابن‌عربی، ۱۳۲۹ق، ج ۴، ص ۳۷۷).

ما ز قرآن مغز را برداشتیم\*\*\* پوست را بهر خران بگذاشتیم (سبزواری، ۱۳۸۶، ص ۵۶۶). آن‌ها بر این اعتقادند که در ورای معنای ظاهری متون مقدس معنای حقیقی نهفته است که شخص با ریاضت و طی طریق مقامات می‌تواند به مرحله‌ای برسد که این معنای حقیقی را کشف کند.

لذا در معنای آیات قرآنی بیان می‌دارند که هر آیه‌ای از قرآن دارای دو وجه است، یک وجه درونی که با اشراقات درونی قابل دریافت است و دیگری وجه بیرونی که با تفسیر ظاهر به دست می‌آید. ابن‌عربی بیان می‌دارد که قسم اول نیز تفسیر است گرچه آن را اشارت می‌نامند (ابن‌عربی، ۱۳۳۹ق، ج ۴، ص ۲۷۹). «سُرُّیْهِمْ آیَاتِنَا فِی الْأَفَاقِ وَ فِی أَنْفُسِهِمْ» (فصلت: ۵۳) که از این تفسیر تعبیر به تفسیر عرفانی نیز می‌شود.

در خصوص آسیبی که از این ناحیه متوجه دین خواهد شد می‌توان گفت که امروزه در بیشتر نقاط جهان اسلام، اکثر بزرگان صوفیه و افرادی که به تصوف می‌پیوندند افرادی تحصیل‌کرده و عالم نیستند؛ بلکه بیشتر اقطاب و شیوخ صوفیه، بهره‌ای اندک از معارف دینی داشته و حتی توان دفاع از جریان فکری خود را ندارند.

لذا تأویلی که این‌گونه افراد به آن روی می‌آورند تأویلی است بی‌ضابطه که این امر یکی از مهم‌ترین عواملی است که به دین و دین‌ورزی آسیب جدی وارد می‌کند چراکه در تأویل بی‌ضابطه ظاهر الفاظ نصوص دینی کنار گذاشته شده و معانی دیگری بر آن حمل



می‌شود در صورتی که در تأویل حقیقی نباید معنای ظاهری کنار گذاشته شود. به همین جهت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَكْثَرُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ يَتَأَوَّلُ الْقُرْآنَ يَضَعُهُ عَلَى غَيْرِ مَوَاضِعِهِ» (شهیدثانی، ۱۴۳۱ق، ص ۳۶۹) تأویل قرآن، بیشترین چیزی است که از آن نسبت به امتم هراس دارم.

لذا صوفیان خصوصاً افرادی که بهره‌ای از اصول علم ندارند با رویکرد تأویلی بی‌ضابطه به قرآن و نصوص دینی، باعث خدشه در آن شده‌اند و هرگونه برداشتی را به صرف اشراق درونی به آن نسبت می‌دهند.

در صورتی که بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، هدایت مسلمانان به تبعیت از دو ثقل (قرآن کریم) و اصغر (اهل بیت علیهم السلام) است.

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ مَسَّكُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِي فِيهِمَا أَلَا هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ فَاشْرَبُوا وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ فَاجْتَنِبُوا؛ همانا من در میان شما دو چیز سنگین و گران می‌گذارم که اگر بدان‌ها چنگ زنید هرگز پس از من گمراه نشوید: کتاب خدا و عترت من اهل‌بیتم و این دو از یکدیگر جدا نشوند تا در کنار حوض کوثر بر من درآیند، پس بنگرید چگونه پس از من درباره آن دو رفتار کنید، آگاه باشید که این (یعنی تمسک به عترت) آب خوشگوار و شیرین است پس بیاشامید و آن دیگر (یعنی روی برتافتن از ایشان) آب شور و تلخ است و از آن بپرهیزید» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۳۳).

## ۲. ترویج روایات غیر مستند در تصوف

برخی از صوفیان ملاک صحت احادیث را نه اسناد و محتوای حدیث بلکه کشف و شهود می‌دانند (ابن عربی، ۱۳۲۹ق، ج ۱، ص ۷۳) و در توجیه این مطلب آورده‌اند که: چه بسا حدیثی از جهت راویانش، صحیح باشد و عارف اهل کشف که این مظهر را مشاهده کرده است، درباره این حدیث به ظاهر صحیح از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کند و آن حضرت حدیث را انکار کند و به او بگوید: «من این حدیث را نگفته‌ام و به آن حکم نکرده‌ام»؛ پس عارف ضعف حدیث را دریافته و به آن عمل نمی‌کند در حالی که از جانب خدا بین‌های برای ترک دارد گرچه علمای ظاهر و محدثین به خاطر صحت طریق حدیث بدان عمل کنند در حالی که در حقیقت صحیح نیست (ابن عربی، ۱۳۲۹ق، ج ۱، ص ۱۵۰).

بنابراین روایتی که با مکاشفه توافقی داشته باشد و لو سندش ضعیف باشد موردقبول برخی صوفیه است و حدیثی که با مکاشفه توافقی داشته باشد و لو سندش صحیح باشد موردقبول صوفیه نیست و دلیل این امر را این می‌دانند که در مکاشفه از خود رسول‌الله ﷺ صحت و وسقم مدلول حدیث را جویا می‌شوند و از لسان مبارک پیامبر ﷺ معارف را می‌شنوند و دیگر احتیاجی به تصحیح سند ندارند؛ لذا این‌گونه اعتقادات زمینه‌ای شده تا صوفیانی که بهره‌ای از علم ندارند به بی‌راه کشیده شده و افرادی هم که به اینان روی می‌آورند به بیراه بروند.

در صورتی که برای فهم دین، باید به قرآن و روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام رجوع کرد و این امر نیز میسر نیست مگر از طریق رجوع به روایات و احادیث که از اهل‌بیت علیهم‌السلام نقل شده به همین جهت منبع و سند حدیث نقش مهمی در شناخت احادیث صحیح از نادرست دارد. لذا می‌بینیم منابع معتبر حدیثی شیعه، با ذکر اسناد روایی بوده و به روایات مرسل و بدون سند اعتنایی نمی‌شد و این کار نیز به تکیه بر این امر است که در احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام تأکید شده است که هنگام نقل یک روایت، سلسله اسناد و رجالی که سند را نقل کرده‌اند را ذکر کنید. **أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عليه السلام** می‌فرماید: «إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۵۲). لذا از آسب‌های موجود در متصوفان نقل احادیث مرسل و مجعول است که ضربه مهلکی بر دین وارد می‌کند.

### ۳. شخصی شدن و عرفی‌سازی دین

مبنای صوفیه بر این امر است که حقیقت دین چشیدنی است و انسان از این راه می‌تواند به حقیقت دست یابد (یثربی، ۱۳۹۷، ص ۳۲۰)؛ لذا این مبنا دست‌آویز برخی از متصوفان شده تا دین را به وادی عرفی‌سازی و شخصی نمودن فهم آن کنند و تفقه در دین را که بر اساس اصول و مبنای خاص خود است را کنار بزنند و با ادعای دست‌یابی به بطون و حقائق دین، بدون طی مقدمات علمی مدعی تفسیر باطن شریعت و کشف حقیقت دین شوند (صفا، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۲۰۴) این‌ها، به پیروان خود آموزش می‌دهند که فهم و درک حقیقت دین، امری درونی و شخصی است و تابع شکل و قالب خاصی نیست.

لذا امر تفقه و دین‌داری فقیهانه که بر اساس اصول علمی دین را تبیین می‌کنند. رها کرده و مدعی‌اند محوریت دین‌داری، دریافت‌هایی شخصی افراد است و دین‌داری طریقت محور متفاوت است چراکه دین‌ورزی طریقت محور برای رسیدن به مقام فنا و شهود ذات حق است و دین‌ورزی شریعت محور فقط نجات اخروی را برای افراد به بار می‌آورد و پیروان شریعت، از طریق عمل به ظواهر دین، خریدار بهشت شده و پیروان طریقت از رهگذر عمل به باطن دین، راه معنویت، محبت و عشق الهی را پیموده و چشیدن حقایق و معارف نصیبشان می‌شود.

#### ۴. التقاط در دین‌داری

التقاط‌گرایی به معنای تلفیق اندیشه‌ها و مفاهیم اسلامی با اندیشه‌های غیر اسلامی، یکی از آفت‌ها و آسیب‌های که در طول تاریخ افراد و فرق مختلفی گرفتار آن شده و به بی‌راه کشیده شده‌اند... اسلام مجموعه‌ای از باورها، آداب و اعمالی است که از قرآن و اهل‌البیت علیهم‌السلام به ما رسیده است (ثقلین). حال اگر از منبعی غیر از ثقلین، مثلاً از ادیان دیگر یا از طریق منابع دیگری که مورد تأیید ثقلین نیست مانند مکاشفات وهمی، اموری را با اسلام پیوند دهند و بدان تدین ورزند، گرفتار التقاط شده و حق و باطل به هم آمیخته می‌شوند.

مبانی برخی صوفیه، منجر به گرفتاری در التقاط شده زیرا در بینش آنان «هر اندیشه و عملی که بر دل نشیند و نفس را خوش آید، حق است» و بدون اینکه آن را بر دین عرضه کنند، می‌پذیرند.

از آنجایی که تصوف، ماهیت خود را یک سلوک باطنی و سیر نفسانی معرفی می‌کند، مدعی است در سلوک انفسی، باطن انسان با هر چیزی که ارتباط برقرار کند، می‌تواند با همان به حقیقت و مقام فناء فی الله برسد (ابن عربی، ۱۹۴۶م، ج ۱، ص ۵۹)؛ لذا چه بسیار صوفیانی که مکاشفات باطنی و درونی خود را در کنار کلام وحی و قرآن کریم نشانده و به مضمون آن تدین می‌ورزیدند (شمس، ۱۳۹۱، ص ۲۷۰).

#### ۵. انحراف از منابع معرفتی دین

ابزار معرفت به‌طورکلی در اسلام بر محوریت عقل و نصوص دینی است یا به یک معنا عقل و ثقلین که از این دو تعبیر به حجت باطنی/درونی و ظاهری/بیرونی می‌شود چه اینکه امام کاظم علیه‌السلام فرمودند: «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً، فَأَمَّا

الظَاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَيُّمَةُ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ»؛ «خداوند را بر مردم دو حجت است: حجتی آشکار و حجتی پنهانی و درونی. «حجت آشکار»، رسولان و پیامبران و امامانند و «حجت باطنی» اندیشه‌هاست (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۶).

لذا اعتقاد مقبول اعتقادی است که دلیلی از عقل یا وحی بر آن داشته باشیم به همین دلیل دین اسلام نجات و هدایت را به تبعیت از ثقلین و استفاده از «عقل» می‌داند و هر منبع معرفتی دیگر تا جایی مورداتکا است که مورد تأیید عقل یا ثقلین باشد.

در این میان در تصوف منبع دیگری به نام کشف و شهود مطرح می‌شود که می‌تواند انسان را به حقایق برساند؛ اما باید گفت کشف شهود یا همان تجربه قلبی اگرچه می‌تواند به عنوان یک منبع معرفتی باشد؛ اما مادامی که مورد تأیید عقل و نقل باشد. متأسفانه برخی از صوفیان بدون توجه به این مطلب و با تکیه بر مطالبی که در آثار صوفیه ذکر شده: مبنی بر اینکه شهود و دریافت قلبی حاکم بر عقل و نقل است در دام آسیب‌های شهودگرایی می‌افتند (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۹۹).

حتی برخی از صوفیان اعتناء بر مکاشفه را دارای خطراتی می‌دانند که می‌تواند سالک را به قعر دره گمراهی بکشاند (ابن‌سودکین، ۲۰۲۱، ص ۱۷ و ۱۸).

چراکه اگر عقل و نقل را از کشف و شهود جدا کرده و آن را حاکم بر کشف و شهود ندانیم ملاک مشخصی برای تشخیص اوهام و حقائق برگرفته از مکاشفات وجود ندارد، چه بسیار که وهمی حقیقت پنداشته شده و حقیقتی وهم، حال اگر این مسئله در حیطه عقاید دینی باشد، سعادت و کمال انسان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. داود قیصری می‌نویسد: «نفس در بعضی از مقامات بر شخص متجلی می‌شود و پیش از آنکه از بند قیدها رهایی یابد به ربوبیت ظاهر می‌شود و این تجلی شیطانی است و اندکی هستند که بین آن دو تمیز دهند و از اینجاست که بنده ادعای ربوبیت می‌کند و مانند فرعون بدان ظاهر می‌شود (قیصری، ۱۳۷۰، ص ۲۴۹).

## ۶. جدایی از اسلام سیاسی

تصوف، در کشورهای غربی با استقبال بسیاری روبرو است و این موضوع موجب نگرانی‌هایی برای غربی‌ها شده است. دلیل نگرانی آن‌ها از جریان تصوف این است که حجم گسترده‌ای از اسلام‌گرایی در آمریکا و اروپا، از طریق تصوف است؛ چه تصوف در

طریقت‌های مشخص و چه سنت‌گراهایی همچون شوان که شاکله‌های صوفیانه دارند. غرب نیز در مواجهه با تصوف دارای تناقض است. تصوف از یک‌سو سبب گسترش اسلام در آمریکا و اروپا شده و از سوی دیگر، بزرگ‌ترین مانع برای اسلام سیاسی است. برای برون‌رفت از این تناقض، غرب به این نتیجه رسیده است که از سوی مسلمانان را به سمت تصوف ترغیب کرده و از طرف دیگر تصوف را آیینی مستقل از اسلام معرفی کند. برخی نظریه‌پردازان معتقدند اگر «استقلال جریان تصوف از اسلام» پذیرفته شود، تناقض تصوف برای همیشه برای غرب حل می‌شود و تصوف، جریانی مستقل و بی‌ارتباط به اسلام معرفی می‌شود. در این صورت اولاً رشد اسلام کند شده و ثانیاً مقابله با اسلام سیاسی و جهادی و سلفیت سیاسی و انقلابی رخ می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

گرایش به صوفی‌گری در جهان امروزی ضمن فرصت‌هایی که ایجاد می‌کند دارای آسیب‌هایی نیز است. تصوف به‌عنوان یک جریان و جنبش اجتماعی و معنویت‌گرا اندکی بعد از ظهور اسلام پدیدار شد و تا به امروز جایگاه ویژه‌ای در جوامع مختلف دارد. این جریان که بر اساس اصول و ارزش‌های خاص خود شکل گرفته، به تجربه شخصی، ارتباط مستقیم با مقام الوهیت و جستجوی برای حقیقت متمرکز دارد. متأسفانه امروزه به علت اینکه برخی سردمداران آنان از لحاظ علمی تحصیل کرده نیستند با برداشت‌هایی از دین و بلکه از بیانات بزرگان خود دچار انحرافات شده‌اند که هم باعث آسیب به دیگرانی که به آن‌ها روی آورده‌اند شده‌اند هم باعث آسیب به دین و دین‌ورزی دیگران. ازجمله این آسیب‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. تأویل‌گرایی بی‌ضابطه ۲. ترویج روایات غیر مستند در تصوف ۳. شخصی شدن و عرفی‌سازی دین ۴. التقاط در دین‌داری ۵. انحراف در منابع معرفتی دین ۶. جدایی از اسلام.

## فهرست منابع

۱. ابن ترکه، صائن الدين على بن محمد، **مهيد القواعد**، تصحيح: سيد جلال الدين آشتياني، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۰.
۲. ابن سودكين، ابوطاهر اسماعيل بن سودكين نوري، **لواحق الأسرار و لواحق الأنوار**، [بی‌جا]، [بی‌نا]، ۲۰۲۱ م.
۳. ابن عربي، محيي الدين محمد بن علي، **الفتوحات المكية في معرفة الأسرار المالكية**، قاهره: المطبعة الميمنية، ۱۳۲۹ ق.
۴. \_\_\_\_\_، **الفتوحات المكية في معرفة الأسرار المالكية**، بيروت: دار الصادر، [بی‌تا].
۵. \_\_\_\_\_، **فصوص الحكم**، قاهره: دار احياء الكتب العربية، ۱۹۴۶ م.
۶. ابوطالب مكي، محمد بن علي، **قوت القلوب في معاملة المحبوب و وصف طريق المرید الى مقام التوحيد**، تصحيح: باسل عيون السود، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۷ ق.
۷. تبریزی، شمس‌الدين محمد، **مقالات شمس**، تصحيح: محمد علي موحد، چاپ چهارم، تهران: خوارزمی، ۱۳۹۱.
۸. سبزواری، محمد ابراهيم، **شرح گلشن راز (سبزواری)**، تهران: علم، ۱۳۸۶.
۹. سهروردي، شهاب‌الدين عمر بن محمد، **عوارف المعارف**، تصحيح: احمد عبدالرحيم السايح و توفيق علي وهبه، قاهره: مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۲۷ ق.
۱۰. شهيد ثاني، زين الدين بن علي، **منية المرید في آداب المفيد و المستفيد**، بيروت: مؤسسة التاريخ العربي، ۱۴۳۱ ق.
۱۱. شيخ مفيد، محمد بن محمد، **الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد**، قم: موسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. صفا، ذبيح‌الله، **تاريخ ادبيات در ايران**، تهران: فردوس، ۱۳۶۴.
۱۳. فرغانی، سعید بن محمد، **منتهی المدارک في شرح تائیه ابن الفارض**، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۸ ق.



۱۴. قیصری، داود، شرح فصوص الحکم، قم: بیدار، ۱۳۷۰.
۱۵. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۷.
۱۶. مطهری، مرتضی، عرفان (مجموعه آثار شهید مطهری)، تهران: صدرا، ۱۳۷۷.
۱۷. \_\_\_\_\_، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۷۷.
۱۸. هاشمی رفسنجانی، اکبر، امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، تهران: فراهانی، ۱۳۶۳.
۱۹. یثربی، سید یحیی، فریب سراب، قم: فروغ فردا، ۱۳۹۷.

